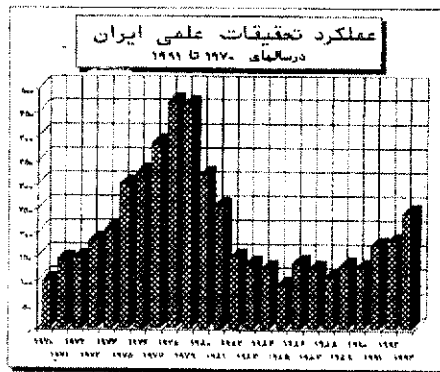


کوچ اندیشه‌ها

دکتر محمد حسین دبانی^۱

مقدمه

در سمینار بررسی نقش اطلاع‌رسانی در تحقیق و توسعه که در سال ۱۳۷۲ در تهران تشکیل شد، دکتر شاپور اعتماد در مقاله خود با عنوان "تصویر علمی ایران در جهان" نموداری ارائه داد که وضعیت هشدار دهنده سهم ایران در تولید جهانی علم را نشان می‌داد. آشکارترین پیام این نمودار که در زیر ارائه شده است، این است که در دهه قبل از انقلاب اسلامی، عملکرد تحقیقاتی ایران به طور متوسط، چهاربرابر دهه بعد از انقلاب اسلامی بوده است (اعتماد، ۱۳۷۳: ۵۲).



عملکرد تحقیقات علمی ایران
در سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۱

۱- استاد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

چرا این وضعیت هشدار دهنده تلقی می شود. زیرا سهم تحقیقات و میزان تولید علم هر کشور بر مبنای مقدار کیفی و کمی نشر یافته‌های علمی آن کشور در یکی از ۲۵۰۰ مجله‌ای که به عنوان مجلات علمی/ پژوهشی طراز اول جهان توسط موسسه اطلاعاتی علمی Scientific Information Institute of Information انتخاب و مقالات آنها در نمایه‌های استنادی علوم Science Citation Index = SCI ، نمایه استنادی علوم اجتماعی = Social Science Citation Index = SSCI و نمایه استنادی هنر و ادبیات Art & Humanities Index سنجیده می شود. نوع نمایه سازی که در نمایه‌های استنادی انجام می گیرد، این امکان را فراهم می آورد تا شبکه ارتباطی بین اندیشه‌ها از گذشته تا بحال آشکار شود. در این نوع نمایه سازی مشخص می‌شود محتوای چه مدارکی توسط پژوهشگران همطراز، فراتراز و فروتر از نویسندگان مورد استقبال قرار گرفته است. چنین ادعا می شود که هر چه نوشته‌ای به تعداد بیشتر و در طی زمان طولانی‌تر مورد استناد قرار گیرد، محتوای آن نوشته از اهمیت بیشتری برخوردار است.

مطالعات بعدی نکات قابل توجه‌تری را در پیوند با سهم ایران در دانش جهانی آشکار ساخت. مثلاً در سال ۱۹۹۵ میلادی، با رتبه‌بندی مقالات استنادی علوم، رتبه ۸۱ کشور جهان از لحاظ حضور در نمایه‌های بین‌المللی مشخص شد. در این رتبه‌بندی، امریکا در رده اول با ۳۰/۸ درصد از کل تولید علمی، ژاپن در رده دوم با ۸/۳ درصد از کل تولید علمی، انگلستان در رده سوم با ۷/۹ درصد از کل تولید علمی، و ایران در رده پنجاه و پنجم با ۰/۱۵ درصد از کل تولید علمی قرار داشت (صبوری، ۱۳۷۷: ۱۲۸). و نیز بررسی دیسک فشرده دو بانک CAB و AGRIS ابتدا تا سال ۱۹۹۷ نشان داد که از مجموع ۳۲۱۸۹۰۰ مقاله در CAB تنها ۲۵۰۹ مقاله یا ۰/۱۰۹٪ از ایران و از مجموع ۲۸۵۵۴۰۹ مقاله در AGRIS فقط ۳۱۰۰ یا ۰/۱۰۸٪ از ایران است (صراف زاده، ۱۳۷۹: ۸۹). بررسی مقالات محققان مقیم ایران فهرست شده در SCI و SSCI سال (۱۹۹۶) ۱۳۷۵ نشان داد که ۴۳۱ عنوان مقاله مربوط به علوم و ۲۴ عنوان مقاله مربوط به علوم انسانی در آنها فهرست شده است. به بیانی دیگر، ۹۵ درصد از کل مقالات فهرست شده را رشته علوم و ۵ درصد از آنرا رشته

علوم انسانی تشکیل داده است. از مقالات مربوط به علوم نیز ۱۱۸ مورد در رشته شیمی و ۶۹ مورد در رشته پزشکی است (مجتهد زاده، ۱۳۷۷: ۱۲۱ - ۱۲۰).
در فاصله سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۹ مقالات دیگری در پیوند با اندک بودن سهم ایران در سهم دانش جهانی و شیوه‌های بالابردن این سهم در مجلات فارسی، بویژه مجله رهیافت، منتشر شده است. آشکار است که تاکید بر افزایش سهم ایران در تولید دانش جهانی، اندیشه راهیابی تعداد بیشتر مقالات ایرانیان به نمایه نامه‌های استنادی و اندیشه تخصصی‌تر شدن مجلات داخلی را مطرح می‌سازد.

افزایش سهم ایران در دانش جهانی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای مورد اول راه حل مادی ارائه داد. هر محقق دانشگاهی و غیردانشگاهی ایران که مقاله تحقیقی وی در یکی از مجلات مورد فهرست در نمایه‌های استنادی چاپ شود، بطور متوسط مبلغی برابر ۴۰۰۰۰۰۰ ریال پاداش دریافت خواهد کرد. این مصوبه برای مقالات سال ۲۰۰۰ به بعد قابل اجراست و یکی دو مرحله آن نیز اجرا شده است. حداقل دانشگاه فردوسی مشهد بر آن شده است که برای مقالات فارسی که در مجلات علمی/ پژوهشی ایران منتشر می‌شود نیز مبلغی به عنوان پاداش پرداخت کند این مبلغ بسته به امتیازی که مقاله دریافت می‌کند از ۳۰ هزار تومان تا ۱۵۰ هزار تومان در نوسان است.

گرچه این هر دو اقدام، شاید، به لحاظ اقتصادی جدی‌ترین توجه به نشر آثار با کیفیت توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است و می‌باید با قدرشناسی از آن استقبال شود، اما دارای پیامدهای نامطلوبی نیز هست. شاید ساده‌ترین تشبیهی که بتوان در این مورد ارائه داد این است که سرمایه دار ایران پول خود را به بانک خارجی واریز کند، اما بهره پول خود را از دولت ایران دریافت دارد.

درست است که این روش می‌تواند درصد سهم ایران را - آنگونه که به لحاظ نظری ادعا می‌شود - در تولید دانش جهانی بالا برد، اما واقعیت این است که با پول مردم ایران اعتبار

علمی مجلات و کشورهایی که این مجلات در آنها منتشر می‌شوند، افزایش می‌یابد و نه اعتبار علمی مجلات و کشور ایران.

این اقدام، همچنین، پژوهشگران ایرانی را ترغیب می‌کند که مقالاتی را که تا بحال در مجلات فارسی زبان داخلی منتشر می‌کرده‌اند، خود یا توسط دیگری، ترجمه کرده و برای نشر به خارج از ایران بفرستند. بدین ترتیب زیر پای مجلات علمی/پژوهشی داخلی نیز خالی می‌شود، زیرا مجلات علمی/پژوهشی داخلی، هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ امتیاز ارتقاء در مرحله‌ای پائین‌تر از مجلات خارجی قرار داده شده‌اند. می‌توان با زحمت بیشتر و یا با پرداخت وجه، مقاله با کیفیتی را که قبلاً با نیت انتشار در مجلات علمی/پژوهشی فارسی نوشته می‌شد، با پولی بسیار کمتر از پاداشی که داده خواهد شد به زبان انگلیسی ترجمه کرد تا هم به پول بیشتری دست یافت و هم زمینه را برای امتیازات خاص ارتقاء علمی فراهم کرد.

نظر خواننده به این نکته جلب می‌شود که در آئین نامه پیشنهادی برای ارتقاء اعضای هیات علمی که احتمالاً از سال ۱۳۸۱ قابل اجراست، انتشار مقاله به زبان غیرفارسی برای ارتقاء ضروری دانسته شده است.

پیامد ساده تصمیم پرداخت پاداش به مقالات منتشر شده در مجلات علمی/پژوهشی داخلی نیز این است که زیر پای مجلات نو پا که هنوز امتیاز علمی/پژوهشی را کسب نکرده‌اند را خالی کند و امکان رشد و بالندگی را از آنها بگیرد. از سوی دیگر این امکان را افزایش دهد که مجلات علمی/پژوهشی، که تعداد آنها بسیار اندک نیز هست، با ترافیک مقالات کم کیفیت روبرو شوند. در یکسال گذشته برای مجله دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران ۱۵ مقاله از خارج از همان دانشکده ارسال شده است که ۱۴ مورد آن از کیفیت قابل قبول برای نشر برخوردار نبوده‌اند و رد شده‌اند. این مورد برای مجله علوم تربیتی دانشگاه فردوسی که هنوز برای کسب درجه علمی و پژوهشی اقدام نکرده است ۲۵ از ۳۱ مقاله بوده است.

بدین ترتیب علیرغم اینکه عمل به تشویق مادی پژوهشگر قابل قدردانی است، اما پیامدهای اینگونه تشویق که چند مورد آن در بالا به آن اشاره شد آنقدر ناگوار می‌باشد که

باید برای رفع آنها چاره‌ای اندیشید. دو نکته باید مورد نظر باشد. هر اقدام تشویقی باید رشد، بالندگی، سرزندگی و پویا شدن مراکز تحقیقات داخلی و منابع تبادلات اطلاعات علمی را ابتدا در داخل و سپس در خارج از ایران به دنبال داشته باشد.

همانقدر که به پژوهشگر دانشمند و ورزیده در تبادلات علمی نیاز داریم، همانقدر نیز به سردبیران، اعضای هیات تحریریه، مراکز انتشاراتی و مراکز توزیع توانا نیاز داریم. مهمتر اینکه، چرا نباید در راهی گام نهمیم که مجلات داخلی به فهرست ISI راه یابند؟ ممکن است پیمودن این راه بسیار دشوار باشد، حال که پذیرفته شده با پرداخت پول می‌شود سهم ایران را در دانش جهانی افزایش داد، باید پذیرفته شود که با پول می‌شود سهم ایران را با دانش تولید شده در داخل کشور در سهم دانش جهانی افزایش داد. یادآور می‌شود که برای انتشار هر شماره از یک مجله دانشگاهی چیزی در حدود یک میلیون تومان نیاز است و این معادل پاداش انتشار دو مقاله در یک مجله‌ای است که در نمایه‌های استنادی فهرست می‌شود و یادآور می‌شود که کم نیستند مجلات دانشگاهی که دلیل نبود همین مقدار، علیرغم کیفیت مناسب، از نشر باز می‌مانند.

تخصصی شدن مجلات

برای مورد دوم یعنی تخصصی شدن مجلات نیز در همایش بررسی وضعیت مجلات علمی کشور (مشهد: ۱۱ و ۱۲ آبان ماه، دانشگاه فردوسی) تصمیم گرفته شد. کمیسیون شماره ۲ این همایش در ارائه راهکار برای ارتقاء مجلات علمی موارد زیر را پیشنهاد کرد:

۱ - موضوع تخصصی شدن مجلات باید براساس یک برنامه مدون تدریجی و طولانی مدت انجام پذیرد. نقش دانشگاهها در این فرایند نباید کم رنگ گردد و با توجه به اینکه اغلب انجمنها در تهران هستند فعالیت‌های دانشگاههای شهرستانها در امور پژوهشی و انتشار در آنها مورد توجه قرار گیرد.

۲ - اعضای کمیسیون بر این باورند که تخصصی شدن مجلات بسیار مهم و غیرقابل انکار است و ضروری می‌داند امکانات مالی باید برای انجمنهای شناخته شده ملی و قوی به موازات فعالیت‌های انتشاراتی موجود توسط دولت برای انتشار مجلات تخصصی فراهم گردد.

۳ - بحث تخصصی شدن مجلات و تعیین استراتژی آن در آینده باید توسط مسئولین و دست‌اندرکاران مجلات گروه‌های خاص مانند کشاورزی ، علوم ، علوم‌مهندسی و علوم‌انسانی جداگانه بررسی و دنبال شود (دانشگاه فردوسی ، ۱۳۷۹ : ۷۶) .

ماده ۱ پیشنهادی این کمیسیون وجود برنامه مدون ، تدریجی و طولانی بودن مدت برای تخصصی شدن مجلات را مورد تاکید قرار می‌دهد . اما نامه‌هایی که چند ماه بعد از کمیسیون تعیین اعتبار و تشخیص ضرورت انتشار وزارت علوم و تحقیقات و فناوری در پاسخ به تمدید اعتبار مجلات در یافت می‌شود فرصت یکساله را برای تخصصی شدن مجلاتی مانند مجلات دانشکده ادبیات ، دانشکده الهیات و مجله دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی کافی می‌داند . ساده‌ترین معنی تخصصی شدن این است که هر مجله فقط به یک موضوع اختصاص داده شود . تخصصی شدن یعنی هر مجله فقط مباحث مربوط به یک گروه آموزشی را پوشش دهد . در اینصورت دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی یا باید بجای یک مجله به تعداد گروه‌های آموزشی خود مجله منتشر کند و یا مجله این دانشکده از فهرست مجلات علمی/ پژوهشی حذف شود . اعلام می‌شود که مجلات تخصصی جهان را بیشتر انجمن‌های علمی یا سازمان‌های انتفاعی پژوهشی منتشر می‌کنند ، اما توجه نمی‌شود که کسب مجوز برای یک انجمن علمی در ایران با چه دشواری‌های غیرقابل غلبه روبروست و نیز توجه نمی‌شود که مخاطبان مجلات علمی/ پژوهشی تخصصی در ایران بسیار کمتر از آن است که بتواند مقالات علمی/ پژوهشی مورد نیاز مجله تخصصی را تامین کند و با پرداخت حق عضویت یا حق‌الاشتراک تامین‌کننده نیازهای مادی مجله تخصصی باشد . نگاهی گذرا به تفاوت تاریخ نشر بسیاری مجلات و تاریخی که باید مجله منتشر می‌شد بسادگی نشان می‌دهد که برای مجلات با وضعیت غیرتخصصی فعلی به اندازه کافی مقاله علمی/ پژوهشی تولید نمی‌شود . شکی نیست که تعقیب این سیاست ، بسیاری از مجلات علمی امروزی ایران را به تعطیلی خواهد کشاند و بحرانی ناخواسته در این حوزه بوجود خواهد آورد . به بیانی دیگر ، فرهنگ لازم ، امکانات لازم ، مقالات لازم و بودجه انتشاراتی لازم برای صد درصد تخصصی شدن مجلات دانشگاهی وجود ندارد . درصورت تاکید بر صد درصد

تخصصی‌شدن مجلات ، با دشواریهای تغییر مدیران مسئول ، سردبیران ، هیاتهای تحریریه‌ها و رقابت شدید گروههای آموزشی برای جذب بودجه راه اندازی مجلات تخصصی نیز روبرو خواهیم شد .

نتیجه

به اندیشه‌هایی روی آوریم که بنیادهای تولید و اشاعه دانش را در داخل کشور تقویت می‌کند و جایگاه ایران را در سهم دانش جهانی ارتقاء می بخشد . موازی با حفظ مجلات علمی/ پژوهشی فعلی ، شرایط مناسب را برای نشر مجلات تخصصی فراهم آوریم . این عمل را می‌توان با تخصیص امتیازات مادی و معنوی بیشتر به مجلات تخصصی که هم اکنون در ایران در حال نشر هستند آغاز کرد .

به هوش باشیم که تجربه تلخ سالهای قبل از انقلاب بشکل دیگر و با استدلال مبهم دیگری تکرار نشود . در آن دوران مجلاتی که شمارگان (تیراژ) آنها کمتر از دو هزار بود تعطیل شدند با این استدلال که تیراژ کم بیانگر نامطلوب بودن است و نباید سرمایه‌های مملکتی (کاغذ و ...) را برای آنها هزینه کرد . در آن دوران همگان می‌دانستند که اینگونه تصمیمات فواید سیاسی دارد ، اما امروز نمیدانیم که غیرسیستمی نگاه کردن به نشر اندیشه‌ها در داخل و کوچاندن اندیشه‌ها به خارج از محل تولیدشان یا محدود کردن امکاناتی که فعلا برای نشر داخلی وجود دارد ، چه فایده‌ای برای رشد دانش داخلی کشور دارد .

منابع:

اعتماد ، شاپور . " تصویر علمی ایران در جهان " اطلاع‌رسانی ، نشریه فنی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران . دوره ۱۰ ، شماره ۴ .

دانشگاه فردوسی مشهد . همایش بررسی وضعیت مجلات علمی کشور ۱۱ و ۱۲ آبان ماه . ۱۳۷۹ مشهد ، دانشگاه فردوسی ، ۱۳۷۹ .

صبوری ، علی امیر . " گزارشی از کار همایش روش‌شناسی و فنون تحقیق و کارگاه آموزشی شبکه‌های رایانه‌ای مبادلات علمی " . رهیافت . شماره هجدهم ، بهار و تابستان ۱۳۷۷ .

صرافزاده ، مریم . " انعکاس مقالات محققان ایرانی در دو بانک اطلاعات کب و اگریس " رهیافت ، شماره ۲۲ بهار و تابستان ۱۳۷۹ .

مجتهدزاده ، مهشید . " بررسی وضعیت مقالات علوم پایه فهرست شده محققان مقیم ایران در SCI و SSCI در سال ۱۳۷۵ / ۱۹۹۶ " رهیافت . شماره هجدهم ، بهار و تابستان ۱۳۷۷ .